

شوڪ بعد از ازدواج

دالما هين
نفيسه معتكف



انتشارات هو

سرشناسه : هین، دالما Heyn, Dalma
 عنوان و نام پدیدآور : شوک بعد از ازدواج / دالما هین : مترجم نفیسه معتكف
 مشخصات نشر : تهران، انتشارات هو، ۱۳۹۸، ۲۰۰ ص
 شابک : 978-600-5512-83-0
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : زنان (همسر) - ایالات متحده - روان شناسی - زناشویی - جنبه های روانشناسی طلاق
 شناسه افزوده : معتكف، نفیسه، ۱۳۳۵، مترجم
 رده بندی کنگره : HQ۷۵۹/م۹ش۹
 رده بندی دیویی : ۳۰۶/۸۷۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۰۳۴۳۳



انتشارات هو

نام کتاب: شوک بعد از ازدواج

نویسنده: دالما هین
 مترجم: نفیسه معتكف
 ناشر: هو
 ویراستار: حمیده رستمی
 صفحه آرای: پروانه نصرالهی
 تیراژ: ۳۰۰ جلد
 چاپ اول: ۱۳۹۸
 چاپ: دیجیتال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۲-۸۳-۰
 ISBN: 978-600-5512-83-0

مرکز پخش انتشارات هو:

۰۹۰۲۱۴۱۴۵۵۸-۰۹۱۲۶۰۸۸۴۱۵-۸۸۴۸۵۰۷۶

فهرست

- مقدمه ۶
- ۱- وضعیت تأهل تبدیل زن به همسر ۹
- ۲- شاهد ۳۰
- ۳- همسر ۴۷
- ۴- روح ازدواج گذشتگان ۷۸
- ۵- شوک ازدواج ۹۲
- ۶- بازتاب ۱۱۱
- ۷- دوگانگی ۱۳۱
- ۸- هیاهوی حمایتی ۱۵۰
- ۹- چگونه هیولای پرورده‌ی ذهن را به قتل برسانید ۱۷۴

مقدمه

پدر من شوهر سوم مادرم است. دو شوهر قبلی مادرم از افراد مشهور هالیوود بودند. مادرم بعد از درگذشت شوهر دومش تصمیم گرفت با پدر من ازدواج کند که سردبیر مجله‌ای معتبر در نیویورک بود ولی مشهور نبود. دوستانشان معتقد بودند که ازدواج آنان به اندازه‌ی ازدواج در فیلم‌ها طول خواهد کشید.

خبرنگاری در جشن عروسی مادرم از او پرسیده بود: «چطور آدمی مثل ارنی هین^۱ موفق شد از چنین موجود باشکوهی دل ببرد؟»
مادرم پاسخ داده بود: «او مرا به زانو درآورد.»

خلاصه‌اش کنم، این شرح حال دنیای غرب است. در این میان، زنان تمایلی ژرف به ازدواج دارند، خواه برای اولین بار باشد و خواه سومین بار، در سال ۱۹۴۷ یا در سال ۱۹۹۷. با وجود روش‌های پیشنهادی تغییر رفتار - ازدواج در سنین بالا، مادر شدن بدون ازدواج - بیش از نود درصد از زنان آمریکایی تا قبل از چهل و نه سالگی دست‌کم یک‌بار ازدواج می‌کنند، و شصت و پنج درصد از این ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود، تعداد عقد و ازدواج به سادگی افزایش یافته است ولی سه‌چهارم ازدواج‌ها به جدایی می‌انجامد و پنج مرد از هر شش مرد، و سه زن از هر چهار زن در عرض چهار سال دوباره ازدواج می‌کنند. زنان و مردانی که همسرشان در گذشته است به‌طور متوسط در عرض هفت سال دوباره ازدواج می‌کنند.

به عبارت دیگر، نسبت به گذشته تعداد بیشتری از زنان ازدواج می‌کنند. ما ازدواج را دوست داریم. دوست داریم رؤیای ازدواج را در سر ببروانیم. در رؤیایمان خود را برای آن آماده می‌کنیم، به آن وارد می‌شویم، از آن خارج می‌شویم، و این کار را دوباره تکرار می‌کنیم. ما زنان در مدت

ده دقیقه ملاقات با یکدیگر درباره‌ی چه صحبت می‌کنیم؟ درباره‌ی ازدواج، ازدواج‌هایی که در پیش است، ازدواج‌هایی که صورت گرفته است، ازدواج ستارگان سینما، ازدواج‌های جهنمی، آخرین ازدواج‌مان. اگر بخواهیم دوباره ازدواج کنیم، آنچه از زندگی زناشویی می‌خواهیم شکوه و جلال آن، و درد و عذاب آن است.

یکی از مباحث مطلوب و مطبوع در مورد ازدواج طرح‌ریزی دامی است که زنان مجرد سرسخت را به تله بیندازد، گویی این نهاد محترم جایگاه طبیعی و اصلی زن است. با این حال از نظر بسیاری از زنان امروزی اینچنین نیست. زنی جوان از طبقه‌ی متوسط که شاغل است و ثبات شخصیتی و شغلی دارد، به دلیل عدم وابستگی و وضع شغلی و استقلال شخصی و آزادی‌اش احساس راحتی می‌کند. از این گذشته، همسر شدن یکی از سه تغییر بحرانی در زندگی زن است. زن باید از لحاظ روحی و جسمی در خود دگرگونی ایجاد کند، درست مانند زمان بلوغ که دچار تحول شده بود، و در آینده نیز هنگام مادر شدن سومین تحول در او ایجاد خواهد شد. درباره‌ی تحول دوران بلوغ و مادر شدن مطالب زیادی نوشته شده، اما درباره‌ی تغییر و تحول ازدواج بسیار کم بحث شده یا مطلبی نوشته شده است. آیا ازدواج برای زن محیطی سالم و دوست‌داشتنی ایجاد می‌کند؟ یا خاطره‌ای بد بر جای می‌گذارد به‌طوری که دیگران را نصیحت کند: «اگر عاقل باشی ازدواج نمی‌کنی.» من شخصاً طرفدار ازدواج هستم. خودم متأهلم و زندگی زناشویی‌ام همراه با شادی است. اما معنای ازدواج چیزی بیش از تعهد و سرسپردگی مادام‌العمر زن است. ازدواج نهاد است. من نمی‌توانم نهادی واحد را در نظر آورم - مثلاً کلیسا، ارتش یا فرهنگستان - که از صمیم قلب به عقاید زنان خوشامد بگوید. هیچ‌یک از آن‌ها واقعا از زنان استقبال نمی‌کند. ازدواج هم در واقع به زنان خوشامد نمی‌گردد. اگر ما این موضوع را نادیده بگیریم چنان که گویی ازدواج هیچ ربطی به دریایی

ندارد که آن‌ها کشتی‌های‌شان را در آن می‌رانند، وقتی آن‌ها مدام تغییر جهت می‌دهند و شل‌کن و سفت‌کن درمی‌آورند، همچنان گیج و سردرگم باقی خواهیم ماند.

دلم می‌خواهد بدانم چه چیز ازدواج برای زن خوب است؟ چه چیزی در زندگی زناشویی باعث می‌شود صدای او هم به گوش برسد و احتیاجات و تمایلاتش به حساب بیاید؟ زندگی زناشویی باید چگونه باشد که در آن خلاقیت زن شکوفا شود، آرامش خیال پیدا کند، روحیه‌اش تقویت شود، و احساسات و تمایلات نهفته‌اش آزاد شود؟ همه می‌خواهند بدانند زن خوب چگونه زنی است و چه زنی به حال دیگران، به خصوص شوهر و فرزندانش مفید است. بیشتر زنان در عین حال که دل‌شان می‌خواهد ازدواج کنند، به همان نسبت مایلند در زندگی زناشویی احترام ببینند و به آنان ارج نهاده شود، ولی بعداً متوجه می‌شوند انتظارات‌شان برآورده نشده است و آنچه را می‌خواسته‌اند، به دست نیاورده‌اند.

آنان چه چیزی را از دست داده‌اند و به چه منظور؟ و چرا ما هنوز نمی‌توانیم بفهمیم آن چه بوده است، یا آن را ارزیابی کنیم و بعد به زنان کمک کنیم تا حفظش کنند؟

زنان بعد از ازدواج چه چیزهایی را باید پنهان کنند یا چه حرف‌هایی را نباید بزنند؟ چه چیزی زندگی زناشویی زنان را تهدید می‌کند؟ امیدوارم مطالب این کتاب بعضی از پایه‌های اساسی این نهاد بسیار کهن و محترم را فرو بریزد و در زندگی هر زن متأهلی آشکارا باعث دگرگونی مثبت و سازنده‌ای شود.